

کتابشناسی توصیفی

" تحول معرفت دینی "

دکتر احد فرامرزی قراملکی

پیشگفتار

ثبات و تحول فهم دینی از مسائل عمده اندیشه دینی معاصر در عرصه‌های مختلف آن است. اجتهاد پویا و شرایط زمان و عصر در استنباط احکام دینی، "روی آورد فقهی" و تحول معرفت دینی، "روی آورد کلامی" در طرح مسئله است. اصل تنوع‌پذیری و تحول‌پذیری فهم دینی - فی‌الجمله - به نحو قضیه وجودیه، از واقعیات روشن تاریخی است. آنچه مورد بحث و نظر است، تفسیر مکانیسم، ضوابط، روش و منطق این تحول است. تفسیر تحول معرفت دینی را از جمله به دو رهیافت می‌توان جستجو کرد: تحلیلی که بر مبنای "فلسفه دین" می‌توان بنا نهاد و تحلیلی که به روش متألهان جدید غربی می‌توان پرداخت. مکتوبات مربوط به این موضوع در ایران در دهه اخیر، هر دو تفسیر را پیگیری کرده‌اند. کسانی چون مؤلفان "قبض و بسط شریعت" و «هرمنوتیک، کتاب و سنت» به ترتیب بر مبنای فلسفه دین و الهیات نوین به تفسیر مکانیسم تحول معرفت دینی پرداخته‌اند. کتاب نخست که ابتدا به صورت مقالاتی در کیهان فرهنگی منتشر شد، نقدهای فراوانی را برانگیخته است و ناقدین، نظریه یاد شده را از چهار جهت عمده مورد نقادی قرار داده‌اند:

مبانی، ارکان، لوازم و توانایی.

مبانی "قبض و بسط شریعت" غالباً همان مبانی معرفت‌شناختی کانتی - پوپری است و ارکان آن در چند اصل "تفکیک دین از معرفت دینی در احکام معرفت‌شناختی"،



«بشری بودن معرفت دینی» و «ترابط آن با سایر معرفتها» که مستلزم تحول‌پذیری معرفت دینی به تبع تحولات سایر معارف بشری است، «لوازم نظریه، آثار و نتایج روانشناختی و منطقی آن دیدگاه» قابل پیگیری است. ارائه کتابشناسی توصیفی قبض و بسط شریعت، محققان را در خصوص سیر طرح، نقد، دفاع و نقدینقد این دیدگاه آشنا می‌کند و نشان می‌دهد که در محافل علمی حوزه و دانشگاه، بسرعت نسبت به اظهارات معرفتی - کلامی در قلمروی دین، واکنش نشان داده شده و حساسیت و دقت قابل توجهی در بررسی و نقد نظریاتی که به حوزه کلام، فلسفه دین و الهیات عقلی و نقلی مربوط می‌شود، اعمال گشته است.

با توجه به این حقیقت، مقالات و کتابهای یاد شده - جز در موارد استثنائی - صبغه کلامی دارند و از موضع متکلمان به طرح مسئله پرداخته‌اند، تبیین اقبال و ادبار به موضوع را در نسبت بین کلام و فلسفه دین باید جستجو کرد.

تئوری «قبض و بسط» - علی‌رغم اینکه صاحب آن، در موضعی تصریح دارد که مساله به دانش کلام متعلق است^(۱) و در موضعی دیگر تمایزی بین کلام جدید و فلسفه دین نمی‌بینند^(۲)، متعلق به قلمروی فلسفه دین است زیرا مدعی تبیین تحول‌پذیری معرفت دینی است و بنابراین متعلق به دانش درجه دوم و ناظر به معرفت دینی است و چنین دانشی فلسفه دین یا به تعبیر جان هیک، «تفکر فلسفی در باب دین»^(۳) است. به همین جهت گفته می‌شود نسبت فلسفه دین به اندیشه معرفت دینی، نسبت فلسفه علم است به علم.^(۴)

تعلق دیدگاه قبض و بسط به فلسفه دین البته مستلزم این نیست که هیچگونه ارتباطی با دانش کلام نداشته باشد. بلکه می‌تواند یکی از دو وضعیت زیر را در کلام پیدا بکند. زیرا متکلم به دلیل هويت واسطه‌ای اش نسبت به وحی و ذهن و زبان مخاطبان و به دلیل برنامه آموزشی و ترویجی که نسبت به عرضه آموزه و ایمان دینی دارد (حیثیاتی که او را از فیلسوف دین متمایز می‌کند)^(۵) نسبت به حوزه‌های مختلف دین پژوهی بی تفاوت نیست بلکه او در قبال هر آنچه در تحلیلهای روان‌شناختی، جامعه‌شناسی، تاریخی و فلسفی در باب دین ارائه می‌شود، موضع دارد.

متکلم در قبال آراء و نظریات دین پژوهی، یکی از دو موضع زیر را دارد:

یا این آراء را سازگار با آموزه‌های دینی می‌یابد و آنها را در برنامه آموزشی ترویجی خویش مفید می‌انگارد و یا اینکه آنها را مخالف آموزه‌های دینی و ناسازگار با مبانی اعتقادی می‌داند. در صورت نخست وی نسبت به آراء یاد شده اقبال می‌کند و آنها را بمنزله مبادی و یا مقدمات (صغروی و کبروی) ادله کلامی بر می‌گیرد و به این ترتیب نظریات خاصی از روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین و فلسفه دین به منزله مبادی تصویری



و یا تصدیقی (مضمّر یا مصرّح) دانش کلام اخذ می‌گردد.

موضع دیگر متکلم، موضع ادبار و انکار است. آنچه مخالف با اندیشه دینی است در لسان متکلمین، "شبهه" نامیده می‌شود و موضوع ردّ و نقد کلامی قرار می‌گیرد. در این صورت برخی از آراء روان‌شناسان دینی، جامعه‌شناسان دینی، موزخان دینی و فیلسوفان دین به منزله مسائل "شبهه محور" در کلام طرح می‌گردد. در این حالت کلام با دین پژوهیهای یاد شده، اشتراک در مسائل دارد. اشتراک در مسائل نباید موهّم عینیت این دانشهای متمایز باشد.

بعنوان نمونه کسانی که نسبت به ردّ موضع قبض و بسط پرداخته‌اند، لوازم کلامی آن را ویرانگر دانسته‌اند آنها، غالباً با تکیه بر گزاره‌ای بودن ایمان و اینکه تصدیق یقینی (باب برهان) به آموزه‌های دینی است و براساس دیدگاه شناختاری زبان وحی، اساس دینداری را به معرفت و سپس ایمان و یقین فرد نسبت به تعالیم دینی می‌دانند. از نظر آنها، رویکرد قبض و بسط در نهایت یقین ستان و ایمان سوز است. زیرا اولاً بر مبانی خاص معرفت‌شناختی استوار شده است که نه تنهائی نفسه دارای خلل منطقی هستند بلکه "نسبیت‌انگاری" لازمه‌گریز ناپذیری آنها است. آنان معتقدند رئالیسم تخمینی کانتی - پوپری و عقلانیت پوپری که از مبانی این نظریه‌اند، به طور اجتناب‌ناپذیر به آثارشسیم معرفتی فایریندی می‌انجامد و تدابیری چون تفکیک مقام گردآوری و مقام داوری و تمایز معرفت دینی از خود دین، جداسازی مقام تحقق از مقام تعریف مانع از سوق به این سرانجام بی انجام نمی‌گردد. آنان انکار نمی‌کنند که پوپرولا کاتوش آنارشیست و نسبیت‌گرا نیستند اما کسانی چون فایریند نیز به خوبی دریافته‌اند که عقلانیت پوپری ولا کاتوشی را در نهایت، جز این فرجام، پایانی نیست.

ثانیاً متکلمان معاصر در «رویکرد قبض و بسط» آنچه اصطلاحاً Reductionism خوانده می‌شود یافته‌اند. یعنی بر مبانی این نظریه، دین به امری فروتر از آن تحویل داده می‌شود. گفته‌اند اینکه گوهر دین، «حیرت افکنی» تلقی می‌شود، مصداقی از این تحویل و فروکاهشی دین است.

به عبارت دیگر آنچه در این نظریه به عنوان خود دین (و نه معرفت دینی)، مقدس، خالص، کامل و صادق خوانده می‌شود، همه دین نیست بلکه نوعی تجزیه طلبی نسبت به تمامیت دین است.

در میان ناقدان، گروه دیگری نیز وجود دارند که از طرفی بر ضرورت جستار از نظریه‌ای که بتواند تحول معرفت دینی را تبیین کند تاکید کرده‌اند و از طرف دیگر نظریه قبض و بسط را خالی از رخنه‌های منطقی و توالی فاسد نیافته‌اند. آنان سعی کرده‌اند، همان گونه که ملامحسن فیض کاشانی به تهذیب و اصلاح احیاء



غزالی همت گماشت به بازسازی نظریه قبض و بسط همت بگمارند و در پی به دست آوردن نظریه‌های موفق‌تر به نقد آن بپردازند. نگارنده در تنظیم کتابشناسی نظریه قبض و بسط، سعی کرده است به ترتیب تاریخی، مقالات و کتابها را به اجمال معرف کند. در این معرفی به تناسب حجم مقاله و کتاب و یا اهمیت آن از حیث تأثیر در آثار بعدی، توضیحی در خصوص پیام اصلی آن نیز آمده است.

پی‌نوشتها:

- ۱) به عنوان مثال در دروس کلام جدید، علم و دین آمده است:
«کلام، دانشی است عقلانی برای حفاظت شریعتی از شرایع و... و توضیح تکامل معرفت دینی... (عبدالکریم سروش. علم و دین، (دروس کلام جدید، دانشکده الهیات ۱۳۶۲ مقدمه)
نگارنده در "موضع علم و دین در خلقت انسان" به اختصار و در "هندسه معرفتی کلام جدید" به تفصیل در این باب سخن گفته است.
- ۲) سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۹.
در "هندسه معرفتی کلام جدید" این دیدگاه را به تفصیل مورد نقد قرار داده‌ام.
- ۳) جان هیک، فلسفه دین، کریم بهزاد سالکی، ۱۳۷۶، ص ۱۴
- 4) Basil Mitchel, The Philosophy Of Religion, Oxford, 1986, P.2
- ۵) فرامرز قراملکی، احد: در تمایز فلسفه دین و کلام جدید، قبسات، ش ۲ سال اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابشناسی «قبض و بسط تئوریک شریعت»

۱. سروش، عبدالکریم. «قبض و بسط تئوریک شریعت (۱)، نظریه تکامل معرفت دینی». کیهان فرهنگی سال ۵، ش ۲ (اردیبهشت ۱۳۶۷) ص ۱۲-۱۸
چاپ دوم تا چهارم: مؤسسه فرهنگی صراط تهران، سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳. مقاله بدون چکیده
آغازین و مقدمه بیانگر هدف گفتار آغاز می‌شود و تا حدودی پراکنده و مشتعل بر تکرار، بسط می‌یابد.



نویسنده در پایان، حاصل گفتار خود را تلخیص کرده که بخش اصلی آن به صورت زیر قابل تلخیص مجدد است:

یک - فهم از شریعت در تحول مستمر است.

دو - هر فهم نو از شریعت بر دو رکن بیرونی و درونی بنا می‌شود.

سه - شریعت، ثابت است و آنچه تحول می‌یابد، فهم آنست.

چهار - تحول فهمها مستند به رکن درونی یعنی اندوخته‌های معرفتی عالمان است.

پنج - عصری شدن دین فقط به معنی حل مسائل مستحدثه نیست. بلکه به معنای هماهنگ شدن فهم

دین با دیگر معرفتها و مبانی عصر هم هست.

شش - از نو کردن و نو شدن فهمهای دینی گزیر و گریزی نیست.

هفت - همواره فهم شریعت به مبانی بیرون از شریعت مستند و مسبوق است.

۲. همان. «قبض و بسط تئوریک شریعت (۲)». کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۴، تیر ۱۳۶۷، نوشتار با

تلخیص مقاله پیشین در سه رکن توصیف، تبیین و توصیه، شروع می‌شود.

این مقاله را که بر خلاف مقاله پیشین از تلخیص پایانی برخوردار نیست می‌توان بسط احتجاج در خصوص مطالب مقاله پیشین تلقی کرد. نویسنده سه نوع تأثیر آگاهیهای پسین بر پیشین (تأیید، ابطال و تغییر دایره معنا) را توضیح می‌دهد، پارادکس تأیید نیز به منزله تأییدی بر اینکه قضایای ظاهراً بی‌طرف، طرفداری نهانی می‌کنند طرح می‌شود.

۳. شهرستانی، احمد. «پیرامون تحول فهم شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۶ (شهریور ماه ۱۳۶۷). نویسنده نوشته‌های مؤلف قبض و بسط را در واقع، واگویی مکرر و چندین باره چند ادعای اصلی می‌داند که نمونه‌های متعدد و الفاظی متفاوت، همان مضمون را ایجاد و القاء می‌کند. از جمله انتقادهای نویسنده بر نظریه تکامل معرفت دینی، درخصوص تعبیر «تکامل» است و می‌پرسد که «آیا تحول فهم دینی به عنوان یک واقعیت تاریخی در جهت کامل تر شدن دین هم بوده است»؟

۴. لاریجانی، صادق. «نقدی بر مقاله قبض و بسط تئوریک شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۷، (مهر ۱۳۶۷). ناقد، مقالات قبض و بسط را متضمن القای شبههاتی می‌داند که به جهات انتقادی برای اذهان غیر مجرب، مضر است و به همین دلیل به نقد مقاله، در هشت فصل پرداخته است. فصل اول، ادعای تحول در همه معارف بشری را نقد کرده است. فصل دوم ادعای ارتباط همه معارف با یکدیگر را نقد می‌کند.



فصل سوم به بررسی "پارادکس تأیید" می‌پردازد و فصل چهارم، مثالهای تاریخی و استقرائی مورد استفاده مقاله قبض و بسط را نقد می‌کند و در دیگر فصول بقیه لوازم و توابع قبض و بسط، مورد تحلیل قرار گرفته است. نویسنده از جمله، به روش مقاله قبض و بسط، انتقاد می‌کند که چرا علی‌رغم ادعاهای بلند و بالا، آنها را به هیچ گونه دلیلی مستند نمی‌کند؟

۵. **صالح نژاد، محمدرضا.** «پاسخی به پیرامون تحول فهم شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۷، (مهرماه ۱۳۶۷). نویسنده به نقد احمد شهرستانی (شماره ۳) پرداخته است. وی غفلت از نقش تماشاگرانه معرفت‌شناسی را سبب دور ماندن از پیام نویسنده «تکامل معرفت دینی» دانسته و کوشیده است به شش پرسش مندرج در نقد شهرستانی، پاسخ دهد.

۶. **سبحانی، جعفر.** «تحلیلی از نظریه تکامل معرفت دینی»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۹، (آذر ۱۳۶۷). نویسنده، نقد و تحلیل خود بر "قبض و بسط" را در پنج محور (پیوند تحولی و تکاملی دانشهای بشری، رابطه علوم طبیعی با فلسفه، مبانی و شرایط اجتهاد، علل اختلاف آرای فقیهان و معیار پویائی و عصری بودن فقه اسلامی) بنیان نهاده است. ناقد، پیوند بین دانشها را در اساس، بدون تردید دانسته و لکن کلیت و فراگیری آن نسبت به همه دانشها را باطل می‌داند و ادعای این کلیت را مخالف واقع‌گرایی و مقارن با شکاکیت معرفتی تلقی می‌کند. وی از حیث روشی نیز انتقاد می‌کند که «اصولاً در تحلیل مسائل علمی و فلسفی، کمک گرفتن از تمثیلات خطابی و شعری، مایه اشتباه و لغزش می‌گردد و بعنوان نمونه، تشبیه همه علوم حقیقی و اعتباری به «آینه‌های تو در تو» یا به «مجلس مهمانی» که در آن مقاله آمده است، یک نوع استدلال خطابی و بیان شاعرانه است که تنها ذوق پرستان را اقناع می‌کند.»

نویسنده اهم انتقادهای خود را در بیست مورد، تلخیص کرده است که گزارش اجمالی انتقادهای چنین است.

یک - علوم گوناگون بشری به طور اجمال، نوعی ارتباط و پیوند با یکدیگر دارند.

دو - تکامل علوم در همه ادراکات بشری، صحیح نیست.

سه - تأثیر تحول و تکامل علوم در همه دانشهای بشری، به نسبی‌گرایی و انکار حقایق علمی ثابت در زمینه‌های فلسفه، ریاضیات، اخلاق و دین می‌انجامد.

چهار - تفاوت مقاله یاد شده با هگل مشربان، تنها در شیوه و ابزار است، نه در نتیجه و هدف.

پنج - ادعای تأثیر «تحول علوم تجربی» در مسائل قطعی فلسفی، به دلیل تمایز روشی آن دو

شگفت‌آور و غیر قابل قبول است.



شش - طبیعیات قدیم و جدید، نقش اساسی در اصول و قواعد فلسفی نداشته است.
هفت - علوم طبیعی گاه زمینه و موضوع جدیدی برای مسائل فلسفی پدید می‌آورد.
هشت - بر مبنای مقاله قبض و بسط، تکامل علوم طبیعی در مغرب زمین، فلسفه را نیز باید به تکامل سوق می‌داد در حالی که چنین نشد.

نه - بر مبنای مقاله مزبور، ناپستی فلسفه در شرق اسلامی به چنین تکاملی دست می‌یافت.
ده - ارتباط بین مسائل یک علم، دلیلی بر تأثیر تکاملی علوم در فلسفه یا علوم دیگر نیست.
یازده - تحول در علوم که مقدمه علوم دیگرند، موجب تحول در علوم دسته دوم می‌شود.
دوازده - حساب آیات معارف قرآن، از آیات احکام دینی آن جداست.
سیزده - تکامل علوم بشری، پرده از اسرار معارف قرآن در زمینه‌های گوناگون علمی، فلسفی، هنری، حقوقی و... بر می‌دارد.

چهارده - شیوه استنباط، عرضه خطابات قرآن و احادیث بر فهم عرفی است نه کارشناسان علوم مختلف.

پانزده - فلسفه و علوم طبیعی، تأثیری در توانایی انسان بر استنباط احکام ندارند.
شانزده - شخصیت‌های فقهی بزرگی که در علوم دیگر نیز صاحب نظر بوده‌اند، از بکارگرفتن اندوخته‌های خود در آن رشته‌های علمی، در زمینه برداشت از متن اجتناب نموده‌اند.

هفده - علت اختلاف آرای فقهی فقیهان را نباید اختلاف آنان در خداشناسی یا طبیعت‌شناسی یا علوم دیگر جست. آنان چه بسا در سایر علوم، صاحب نظر نبوده‌اند و یا اختلاف نظری در آن قلمروها نداشته‌اند.

هجده - فقه اسلام، همیشه پویا و متحرک است و این پویائی، ربطی به ادعای قبض و بسط ندارد.
نوزده - اختلاف احتمالی فقها در بعضی مسائل اجتماعی، ناشی از برداشتهای مختلف درون دینی است و از علوم دیگر، سرچشمه نگرفته است.

بیست - طرح تأثیر علوم در یکدیگر به عنوان یک اصل کلی و فراگیر، گذشته از ناستواری آن، ادعائی است که شیوه طرح آن، دستاویزی برای زیر سؤال بردن جاودانگی قوانین و تعالیم اسلام می‌شود.

۷. نیری، حمید. «قبض اندیشه و ادعای خلوص شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۹، (آذر ۱۳۶۷). این مقاله، نقد نقد صادق لاریجانی (شماره ۴) و مشتمل بر چهار بخش است. بخش اول به نقد



تحلیل آقای لاریجانی از پارادکس تأیید، اختصاص دارد. بخش دوم به ترابط بین علوم دیگر بر تحصیل معرفت دینی مربوط است. بخش سوم، تز مقاله "قبض و بسط" را یک تز حداقلی دانسته به این معنا که بسیار کم ادعاست. بخش پایانی گفتار نیز به ارتباط این مقالات با مسأله ایمان می‌پردازد.

۸. نفیسی، محمود. «تأییداتی بر مقاله قبض و بسط تنوریک شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۹، (آذر ۱۳۶۷). مقاله از مقدمه‌ای کوتاه و سه بخش عمده تألیف شده است. بخش نخست به تمایز وحی از فهم وحی به منزله مهمترین موضع خطای ناقدان می‌پردازد. در بخش دوم، مثالهایی از تحول معرفت متأثر از سایر معارف، در زمینه‌های علوم اصول فقه، فقه، اخلاق، کلام، تاریخ، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی آمده و در بخش سوم تحت عنوان تنقیدات، نقد آقای لاریجانی را مورد ارزیابی قرار داده است.

۹. سروش، عبدالکریم. «نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۱۰، (دی ۱۳۶۷). نویسنده در هفت بخش به پاسخ انتقادهای آقای لاریجانی پرداخته است:

بخش اول در آداب نقد، بخش دوم در نقد "روی آورد ناقد" است و بخش سوم به نقد تحلیل ناقد از "پارادکس تأیید" اختصاص دارد. بخش چهارم در اینکه «دو گرایش ویرانگر در نوشتار ناقد محترم به چشم می‌خورد؛ یکی گرایش فقهی و دیگری گرایش غیر معرفت‌شناسانه و همین دو گرایش فهم مسئله را دشوار کرده است. بخش پنجم به نقد حکم ناقد در خصوص شکاکیت تمام عیار کسی که قائل به تکامل و تحول معرفت بشری شده است، می‌پردازد. و بخش ششم در بیان اینکه موضوع بحث، معرفت دینی و تفسیر شریعت است.

۱۰. مکارم شیرازی، ناصر. «فقه و معارف اسلامی در کشاکش افراط و تفریطها»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۱۱، (بهمن ۱۳۶۷).

همان گونه که نویسنده تصریح می‌کند، این نوشتار «تنها نقد بر یک مقاله نیست بلکه مروری است بر یک جریان فکری که برای جمعی پیدا شده و می‌رود که به نزاع و مشاجراتی غیر دوستانه و نه برخورد منطقی اندیشه‌ها تبدیل بشود. نوشتار با مقدمه‌ای در آداب و اخلاق نقد و بحث آغاز می‌شود و به تبیین سرچشمه پیدایش دو خط فکری اخیر می‌پردازد. نقد عمده نویسنده بر مقالات قبض و بسط، به عدم جداسازی مرز بین قوانین و تئوریه‌ها مربوط است؛ قوانین، ثابتند در حالی که تئوریه‌ها در تأثیر تحولی با سایر معارف‌اند. نویسنده معتقد است «بحث ارتباط معارف بشری و دگرگونی آنها در رابطه با یکدیگر، اگر عین پذیرش نسبت نباشد لااقل، دروازه‌ای برای پذیرش نسبت ادراکات است.





۱۱. صالح نژاد، محمدرضا. «پندار رئالیزم و حقیقت شناخت»، کیهان فرهنگی، سال ۵، ش ۱۱، (بهمن ۱۳۶۷). این مقاله، پاسخی به نقد آقای سبحانی است. نویسنده، ناقد را به عدم توفیق در به دست آوردن مراد قبض و بسط متهم می‌دارد. مهمترین سؤال ناقد نسبت گزایی نظریه تحول معرفت بشری است. نویسنده در پاسخ معتقد است که نظریه تکامل معرفت دینی، خبر از نسبیّت ساختاری (هندسی) شناخت می‌دهد و این منافاتی با رئالیسم ندارد و نسبیّت همه قضا یا را نتیجه نمی‌دهد.

۱۲. سروش، عبدالکریم. «بسط و قبض تنوریک شریعت (۳)» کیهان فرهنگی، سال ۵، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۶۷ مقاله با دعوی تحول دائمی معرفت دینی آغاز می‌شود و با طرح معانی «درک عصری از دین»، تأکید می‌کند که «خلوص متحول» باید جایگزین «خلوص ثابت» گردد. حاصل سخن در این مقاله این است که «تئوریهای فلسفی و علمی هر عصر در برابر شریعت، سه نقش ویژه دارند: یکی، در انداختن سؤال و روشن کردن میدان کاوش و نشان دادن راههای جستجو و دوم، دادن میزانی برای داوری درباره پاسخ و سوم، فراهم آوردن چارچوبی برای فهم آن. نویسنده توضیح در باب نقش سوم را به مقالت دیگر احاله کرده است.

۱۳. لاریجانی، صادق. «نقد نقد و عیار نقد، بخش اول، معرفت دینی»، کیهان فرهنگی، سال ۶، ش ۱، (فروردین ۱۳۶۸). این مقاله متضمن پاسخ مبسوط به دو مقاله «قبض اندیشه و ادعای خلوص شریعت» حمید نیری (شماره ۷) و «نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟» دکتر سروش (شماره ۹) است. دو مقاله یاد شده در اصل، پاسخ نقد نویسنده بر «قبض و بسط شریعت» است. نویسنده در نقد نقد، دو مبحث «معرفت دینی» و «پارادکس تأیید» را تفکیک کرده و هر یک را در بخش مستقلی آورده است. بخش اول به معرفت دینی، اختصاص دارد و در این مقاله آمده است و بخش دوم در دیگر شماره کیهان فرهنگی به چاپ رسیده است. (شماره ۱۴)

گفتار نویسنده را چنین می‌توان به اجمال فهرست کرد:

۱- معرفت دینی

۱-۱) معرفت دینی و معرفت‌شناسی دینی

۱-۲) معرفت دینی و بایدهای تبیینی

۱-۳) معرفت دینی و فهم روش مند

۱-۴) معرفت دینی و قطعیات فقهی

۱-۵) معرفت دینی و فقه

۲- معرفت دینی و علوم عصری

۲-۱) حیطة تأثیر علوم عصری

۲-۲) ارتباط نهایی علوم و احکام

۲-۳) ارتباط منطقی و ارتباط روانی

۲-۴) ارتباط جزئی در مقابل کل

۳- قبض و بسط و شکاکیت

۴- علم اصول و مسأله تحول

۴-۱) علم اصول و معرفت دینی

۴-۲) علم اصول و اعتباریات

۴-۳) دین و نیازهای آدمی

۱۴. لاریجانی، صادق. «نقد نقد و عیار نقد، بخش دوم: پارادکس تأیید»، کیهان فرهنگی، سال ۶، ش ۲، (اردیبهشت ۱۳۶۸).

بخش دوم مقاله مزبور به "پارادکس تأیید" اختصاص دارد و انتقادهای دو مقاله یاد شده (۷ و ۹) بر دیدگاههای نویسنده درخصوص پارادکس تأیید و ارتباط آن با قبض و بسط شریعت را پاسخ داده است. عناوین این بخش عبارتند از: الف - پارادکس تأیید و جایگاه آن در مقاله قبض و بسط، ب - فقیه و انشاء احکام، ج - پارادکس تأیید و قضایای تجربی، د - مقاله «قبض و بسط و پارادکس تأیید»، ه - تأیید قضایای ناسازگار به مؤید واحد، و - تأیید یک تئوری و نتایج آن، ز - اشاره به بعضی توهمات: ۱- تأیید قضایای کلی بر مصداق جزئی، ۲- ارتباط قضایای علمی اثبات نشده و مصادیق آن، ۳- فرق بین اثبات و تأیید.

نویسنده هر دو بخش گفتار خود را در هفت نکته خلاصه کرده است که مهمترین نکات عبارتند از: یک - معرفت‌شناسی دین، به دلیل درجه دوم بودن نمی‌تواند توصیه به نو شدن فهم دینی داشته باشد و حتی از اثبات تکامل معرفت دینی هم عاجز است و فقط می‌تواند از تحول، ونه تکامل آنها خبر دهد.

دو - این رأی معرفت‌شناسانه در دین که «همه فهم‌های دینی در تحول است» رأی خلاف واقع است.

۱۵. غفاری، حسین. نقد نظریه شریعت صامت (بررسی انتقادی مقالات قبض و بسط

شریعت)، تهران، انتشارات حکمت، (رمضان ۱۴۰۹، بهار ۱۳۶۸)، (۲۰/۰۰۰ نسخه) صفحه ۳۳۷

این نوشتار، نخستین کتاب در نقد "قبض و بسط تئوریک شریعت" است. و از یک مقدمه کوتاه، یک مقدمه



مفصل، سه بخش، یک مؤخره و یک ضمیمه، تألیف یافته است.

لحن کلام، عتاب‌آمیز است و به لوازم و مبانی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نظریه پرداخته است. مقدمه نخست، نقد صاحب "قبض و بسط" و بیان وجه تسمیه کتاب است. بخش اول تحت عنوان "ادعای بزرگ" به تقریر ادعای ترابط و تأثیر همه علوم بر یکدیگر و نقد آن اختصاص دارد. خطای عمده در نظریه ترابط همه علوم از نظر ناقد، تعمیم بی‌وجه از ارتباطات موجه علوم نسبت به یکدیگر دانسته شده است. بخش دوم به نقد فهم نویسنده قبض و بسط از کلمات علامه طباطبائی (ره) و استاد مطهری پرداخته و نقد عمده نویسنده آنست که از "نسبیت حقیقت"، به مبنای نظریه شریعت صامت تعبیر شده است. بخش سوم به مسأله اجتهاد و ارتباط آن با تحول معرفت دینی مربوط است. در بخش مؤخره، گرایش به غرب و تطهیر انسان غربی و ترویج روحیه "تجزی" به جای انتقاد، درسهای عمده‌ای تلقی شده‌اند که مقالات قبض و بسط شریعت می‌آموزد. ضمیمه کتاب، متضمن نقد مقاله سوم نویسنده "قبض و بسط تئوریک شریعت" است. کتاب به تاریخ ۲۳ رمضان ۱۴۰۹ اتمام یافته است.

۱۶. ربانی گلپایگانی، علی. «تمایز علوم و تأثیر متقابل ادراکات بشری»، کیهان فرهنگی، سال ۶، ش ۲، (اردیبهشت ۱۳۶۸)

این مقاله در نقد مقاله «پندار رئالیسم و حقیقت شناخت» (۱۱) نوشته شده و حاوی بررسی انتقادی از مقاله قبض و بسط است.

۱۷. بی‌نام. «نقد نظریه شریعت صامت، کتابی در نقد مقالات قبض و بسط شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۶، ش ۲ (اردیبهشت ۱۳۶۸)

گزارش گونه‌ای از کتاب "نقد نظریه شریعت صامت" (۱۵) است و به نقد بخشی از مقدمه مؤلف پرداخته است.

۱۸. صالح نژاد، محمدرضا. «این راه را نهایت صورت، کی توان بست؟»، کیهان فرهنگی، سال ۶، ش ۳، (خرداد ۱۳۶۸). مقاله، نقدی است بر «نقد نقد و عیار نقد» (۱۳). و با توضیح سه رکن مقاله قبض و بسط آغاز شده و با مستعجل خواندن نقدهای این نظریه به پاسخ انتقادهای مؤلف نقد تقد می‌پردازد و غالب پاسخها مبتنی بر این است که ناقد عبارتهای صاحب نظریه را مورد توجه و تأمل قرار نداده است و لذا وی را به همان عبارات، ارجاع می‌دهد.

۱۹. حاج محمدی، ابراهیم. «فهم شریعت و طبیعت در نگاه استاد شهید مطهری»، کیهان



فرهنگی سال ۶ ش ۳ (خرداد ۱۳۶۸). نویسنده کوشیده است با ارجاع به عبارات استاد مطهری نشان دهد که نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت در بیان استاد مطهری نیز آمده است و انتقادهای مطرح شده بر قبض و بسط را فی الواقع نقد آراء استاد مطهری تلقی کرده است و به این طریق، نفی استبعاد از مقالات مزبور را توضیح داده است.

۲۰. سروش، عبدالکریم. «موانع فهم نظریه تکامل معرفت دینی (قبض و بسط تئوریک شریعت)»، کیهان فرهنگی، سال ۶ ش ۴، (تیرماه ۱۳۶۸).

مقاله با گفتاری مبسوط در اینکه قبض و بسط، مبتنی بر مقدمات معرفت شناسانه خاصی است، آغاز می شود و با تلخیص در هفده مورد، بخش نخستین مکتوب به پایان می رسد. بخش دوم تحت عنوان دفع چند سوء فهم به پاسخ بعضی نقدها می پردازد و مدعی می شود که عصری دانستن معرفت، غیر از التقاط است و هر فهمی از دین مجاز، نیست و مانع از قبول تحول معرفت، صحیح و کامل دانستن فهم خود است. شریعت صامت است اما بی زبان نیست و دانشهای زمان، ابزار مناسب فهم شریعت را ارائه می دهند و جایگزین آن نمی شوند. عصری بودن معرفت، توصیف است و نه توصیه و ...

مقاله با ذکر نمونه هایی از ترابط معارف دیگر با معرفت دین، به سبک سایر مقالات به بخش پایانی می رسد.

۲۱. نیری، حمید. «بازآموزی پارادکس تأیید و تحول فکر دینی»، کیهان فرهنگی، سال ۶ ش ۴، (تیرماه ۱۳۶۸). مقاله، نقد پاسخ آقای صادق لاریجانی (۱۴) به مقاله نویسنده تحت عنوان «قبض اندیشه و ادعای خلوص شریعت» (۷) است. مقاله پیشین نویسنده، در واقع نقد نوشتار آقای لاریجانی در انتقاد از مقالات قبض و بسط (۴) است و لذا می توان آن را نقد نقد نقد (!!!) نامید.

محور بحث، «پارادکس تأیید» است که علی رغم حاشیه ای بودن آن به میدان آمده تا توان نقد علمی رقبا را به محک بکشاند. نویسنده، انتقاد ناقد را مبتنی بر «تأیید قضایای ناسازگار به مؤید واحد» بر اساس شرایط سازگاری نزد «همپل» پاسخ گفته است. نویسنده، به ارتباط پارادکس تأیید و تحول فکر دینی نیز پرداخته «ختم کلام و کلام ختم» را به آنچه در منطق سنتی، تبکیت بیرونی خوانده می شود، اختصاص داده است که: «آشنایی مدعی محترم با فلسفه علم باید در حد آشنایی اجمالی با زبان انگلیسی باشد».

۲۲. سروش، عبدالکریم. «موانع فهم نظریه تکامل معرفت دینی (۲)، قبض و بسط تئوریک شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۶ ش ۵، (مرداد ماه ۱۳۶۸).





مقاله با تلخیص مقالات پیشین، به دفع ایرادات پرداخته و مدعای قبض و بسط را در سه اصل کلی که در مقاله نخست نیز آمده طرح کرده و بر آنها احتجاجاتی (با هفت بیان) نموده است.

۲۳. واعظی، احمد. «پاسخی به نقد نقد»، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۵، (مرداد ماه ۱۳۶۸) مقاله، ارزیابی پاسخ نقدی است که نویسنده مقاله «این راه را نهایت صورت کجا توان بست» (۱۸) در تحلیل مقاله نقد نقد و عیار نقد (۱۳) آورده است. مقاله، پس از مقدمه، به رابطه نظریه قبض و بسط با مسئله ثابتات فقهی، شکاکیت، دین و نیازهای آدمی و... پرداخته است.

۲۴. سروش، عبدالکریم. «موانع فهم نظریه تکامل معرفت دینی (۳)، قبض و بسط تئوریک شریعت»، کیهان فرهنگی، سال ۶ ش ۹، (آذرماه ۱۳۶۸). این مقاله به طرح دو مسئله می‌پردازد: ۱- اصناف عوامل مؤثر در تحول درک ۲- اصناف نسبت و روابط ممکنه میان معارف بشری. سعی نویسنده در واقع مصروف تحکیم اصل ترابط کلی میان علوم بشری است. مبحث نخست با ده جمله مختصر جمع‌بندی می‌شود. انواع ارتباط بین علوم عبارتند از: ۱- پیوند دیالوگی ۲- پیوند از طریق مسئله‌زایی ۳- پیوند علوم تولیدکننده با علوم مصرف‌کننده ۴- پیوند معرفت‌شناختی

۲۵. مردیها، سید مرتضی. یکی بر سر شاخ و بن می‌برید، کیهان فرهنگی، سال ششم، ش ۱۱، (بهمن ماه ۱۳۶۸). در این مقاله، نظریه توازی عقل و وحی، مورد نقد قرار گرفته و آن را ریشه‌گران آمدن مقاله قبض و بسط بر عده‌ای دانسته است، «این سخن که معرفت دینی یک معرفت بشری است با تمام عوارض و لوازم آن از قبیل انباشتگی خطا و صواب بر هم، تعلق به یقین و ظن و شک و وهم، قابلیت تصحیح و پالودگی و تکامل در مسیر زمان، نامقدس بودن و اختلاط و آمیزش با سایر حوزه‌های معرفت و... از این رو بر پاره‌ای گران آمده است که گرفتار پندار توازی عقل و وحی بوده‌اند».

۲۶. سروش، عبدالکریم. «قبض و بسط تئوریک شریعت و نظریه تکامل معرفت دینی (۴)»، کیهان فرهنگی، سال ۷، ش ۱، (فروردین ۱۳۶۹). مقاله با دفع انتقادهای رایج بر قبض و بسط به نحوی کلی آغاز می‌شود و ترابط بین معارف را در سه حوزه مقام گردآوری، مقام داور و میسر ساختن فهم دینی و کمال بخشیدن به آن را تبیین می‌کند. در این مقاله به عمده‌ترین مبانی معرفت‌شناختی نظریه قبض و بسط یعنی «رنالیسم پیچیده»، و مسبوقیت و مصبوغیت معانی به تئوریه‌ها اشارت رفته است. بخش پایانی مقاله با تأکید بر اینکه تکامل معرفت دینی، فهم بهتر کلام باری است، راههای بهتر فهمیدن مورد بحث قرار گرفته است. مقاله با تلخیص امهات ادله و مضامین وارده در آن در نه مورد پایان می‌یابد.

۲۷. کریمی، عطاالله. فقر تاریخننگری (بررسی انتقادی مقالات قبض و بسط شریعت)، تهران، علامه طباطبائی، ۱۳۶۹، ۴۱۴ ص، (۶۰۰۰ نسخه)

مقدمه‌ای تحت عنوان «آشفستگی‌های قبض و بسط»، آغازگر مباحث است و نویسنده بدون فصل بندی به نقد نظریه تحول معرفت دینی می‌پردازد. اهم عناوین کتاب به شرح زیر است:

آشنایی با مدعای قبض و بسط، رکن مدعا (صامت بودن شریعت)، روابط نامربوط، رابطه صوری ادراکات، رابطه غیر صوری ادراکات، رابطه مستقیم ادراکات، رابطه ریاضیات و علوم تجربی از دیدگاه تاریخی، رابطه ریاضیات و علوم تجربی از دیدگاه منطقی، تحول معرفت یا تکامل آن؟ هماهنگی علوم و معارف بشری، غیر قابل اثبات بودن مدعای قبض و بسط

۲۸. حسینی، قائم مقامی سید عباس. «نقش شناخته‌های بشری در معرفت دینی»، کیهان اندیشه، ش ۳۱، (مرداد و شهریور ۱۳۶۹).

مقاله در سه بخش به بررسی شناخت بشری، معرفت دینی و ارتباط اندیشه‌های بشری و معرفت دینی با نظر انتقادی به مقاله قبض و بسط پرداخته است.

۲۹. یزدانی، عباس. «نقد و نظر»، کیهان اندیشه، ش ۳۴، (بهمن و اسفند ۱۳۶۹)

نویسنده به نقد دو مقاله «نقش شناخته‌های بشری در معرفت دینی» (۲۸) و «نقش دو عنصر زمان و مکان در استنباط» می‌پردازد. مسأله تحول معرفت دینی در حوزه‌های گوناگون، موضوع مقاله است.

۳۰. سروش، عبدالکریم. «قبض و بسط تئوریک شریعت»، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، چاپ

اول، بهار ۱۳۷۰، بیست و نه + ۳۴۹ ص. اساس کتاب، مقالات چهارگانه قبض و بسط تئوریک شریعت در کیهان فرهنگی (۲۶، ۱۲، ۲، ۱) و مقالات سه‌گانه موانع فهم نظریه تکامل معرفت دینی (۲۴، ۲۲، ۲۰) است.

نویسنده، مقدمه‌ای مفصل بر آن نگاشته و درسهای پنجگانه کلام جدید در دانشگاه امام صادق را به منزله مدخلی بر نظریه تحول معرفت دینی آورده است. مقالات سه‌گانه موانع... را نیز به مقاله‌ای تحت عنوان

«نقدها را بود آیا که عباری گیرند (۹)» در پاسخ به نقد آقای لاریجانی مسبوق کرده است. همه مقالات کتاب حاضر جز دباچه و دروس کلام جدید قبلاً در کیهان فرهنگی، اردیبهشت ۶۷ تا خرداد ۶۹ چاپ شده است.

۳۱. ب.خ. «قبض و بسط تئوریک معرفت (نظریه تکامل معرفت دینی)»، کیان، سال ۱، ش ۱، (آبان ۱۳۷۰). مقاله، گزارش اجمالی و معرفی همدلانه‌ای از قبض و بسط تئوریک شریعت (۲۷) است.

۳۲. سروش، عبدالکریم. «قبض و بسط در میزان نقد و بحث»، کیان، سال ۱، ش ۲، (آذرماه



۱۳۷۰). این مقاله حاصل نشست جمعی از طلاب محترم حوزه علمیه قم با آقای دکتر سروش است. وی ابتدا نظریه یاد شده را از منظر تاریخی می‌نگرد و به بعضی از سؤالات در این نشست پاسخ می‌گوید.

۳۳. **مجتهد شبستری، محمد.** «مبانی و مکانیسم ثبات تحول معرفت ایمانی»، کیان، سال ۱، ش ۳، (دی و بهمن ۱۳۷۰). نویسنده ابتدا به بیان تفاوت و نسبت بین آنچه معرفت شناسان جدید، معرفت دینی نامیده‌اند با آنچه الهیون در مباحث مربوط به فهم وحی، معرفت ایمانی می‌نامند، به این نکته می‌پردازد که چگونه می‌توان بر مبنای اصالت معرفت ایمانی، مدعای حقایق و صواب و ثبات معرفت ایمانی معینی را که در مواجهه با کلام خداوند به دست می‌آید، با تحولات آن که معرفت‌شناسی پسین نیز بدان توجه دارد، جمع کرد؟

۳۴. **گنجی، علی‌اکبر.** «مطهری و تحول معرفت دینی»، کیان، سال ۱، ش ۴ (اسفند ۱۳۷۰)، این مقاله، قرائت خاصی از آثار استاد شهید مرتضی مطهری و حمل آن بر مبنای نظریه "تحول معرفت دینی" است. آراء استاد مطهری به عنوان یکی از احیاگران اندیشه اسلامی دوره معاصر موضوع بحث نویسنده است. دیدگاه ایشان درخصوص سه رکن توصیف، تبیین و توصیه مندرج در قبض و بسط، مورد تحلیل واقع شده است. حاصل مقاله در این نکته آمده است که «مرحوم مطهری نه تنها به توصیف و تبیین تحول معرفت پرداخته‌اند بلکه عالمان مسلمان را بدین امر ترغیب کرده‌اند.»

۳۵. **لاریجانی، صادق.** معرفت دینی؛ «نقدی بر قبض و بسط تنوریک شریعت»، تهران، مرکز نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۷۰، بیست + ۳۱۱ ص، شش صفحه بدون شماره (۵۵۰۰ نسخه)
کتاب دارای ابواب و فصول منظم است. ابتدا فهرست کوتاه مندرجات، آنگاه فهرست تفصیلی، گزارش کاملی از مطالب را شامل شده است. کتاب در یک مقدمه کوتاه و دو بخش عمده تنظیم شده است.

بخش نخست مشتمل بر هفت فصل است:

۱-۱) تبیین موضوع

۱-۲) ادعای تحول عام در معارف دینی

۱-۳) ترابط عمومی معارف

۱-۴) مجاری فهمیدن دین

۱-۵) مجاری بهتر فهمیدن

۱-۶) فهم کتاب و سنت



۷-۱) موضع شکاکانه در مقالات قبض و بسط

بخش دوم در مباحث جنبی و بر دو فصل، مشتمل است:

۱-۲) اعتباریات

۲-۲) پارادکس تأیید

هر فصلی با مقدمه‌ای کوتاه در چند نکته آغاز شده و به نقد مدعیات آقایان دکتر سروش و حمید وحید دستجردی در مسأله قبض و بسط و پارادکس تأیید می‌پردازد.

۳۶. پیمان، حبیب‌الله، «ثبات و تغییر در اندیشه دینی». کیان سال ۲، ش ۵، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۱). این مقاله در نقد مفاد مطالب شماره (۳۰) می‌باشد و نویسنده به بیان این نکته پرداخته است که مدعای قبض و بسط، به هیچ وجه بدیع و تازه نیست.

۳۷. گنجی، علی اکبر. «دیدگاه‌های استاد مطهری درباره بازسازی معرفت دینی در پرتو علوم بشری»، کیان، سال ۲، ش ۶ (خرداد ۱۳۷۱). این مقاله مانند مقاله حاج محمدی (۱۹) قرائت خاصی از آراء استاد مطهری بر مبنای قبض و بسط است. چکیده گفتار را نویسنده چنین آورده است: «ما در این مقال به موارد استفاده مرحوم مطهری از علوم طبیعی تجربی و علوم انسانی تجربی و فلسفه در فهم دین پرداخته و نشان خواهیم داد که اگر کسی با این علوم آشنایی داشته باشد، ناگزیر فهم او از شریعت به همان اندازه آراسته به آنها خواهد بود.»

نویسنده مدعای خود را در خصوص جامعه‌شناسی و فهم دین و آزادی و دموکراسی و فهم شریعت کرده است.

۳۸. سروش، عبدالکریم. «قبض و بسط تئوریک شریعت»، چاپ دوم، تهران مؤسسه فرهنگی صراط، (بهار ۱۳۷۱)، بیست و نه + ۴۴۳ ص. (۵۰۰۰ نسخه). چاپ دوم کتاب نسبت به چاپ نخست سه مکتوب افزوده دارد:

یک - عمارت کردن قلعه سلطانی" نقدی بر سه کتاب در نقد قبض و بسط است (۱۵، ۲۷، ۳۵)

دو - قبض و بسط در میزان بحث و نقد" که قبلاً در کیان چاپ شده است (۳۲)

سه - بازآموزی "پارادکس تأیید"، فکر دینی و جدال با مدعی به قلم دکتر حمید وحید دستجردی (۳۸).

۳۹. وحید دستجردی، حمید. «بازآموزی پارادکس تأیید، فکر دینی و جدال با مدعی»، قبض و بسط تئوریک شریعت (۳۷) ص ۳۹۷-۴۴۳. این مقاله متضمن پاسخی است به نویسنده کتاب معرفت دینی



۴۰. زیاده، خالد. «راه و روش اقبال لاهوری در نواندیشی دینی»، ترجمه مقصود فراستخواه، کیان، سال ۲، ش ۶ (خرداد ۱۳۷۱). تقریری است از مفهوم بازسازی اندیشه دینی و تحول معرفت ایمانی نزد اقبال لاهوری.

۴۱. لاریجانی، صادق. «قلعه سلطانی»، کیهان، ۱، ۲، ۳ (شهریور ۱۳۷۱).

این مقالات متضمن نقد دو نوشتار است:

۱- نقد مقاله «عمارت کردن قلعه سلطانی» به قلم سروش (۳۸)

۲- نقد مقاله «بازآموزی پارادکس تایید»، فکر دینی و جدال یا مدعی به قلم حمید وحید دستجردی (۳۹) برای تفصیل گزارش مراجعه شود به مأخذ شماره (۴۸)

۴۲. سروش، عبدالکریم. «پاسخ به نقد نامه ثبات و تغییر در اندیشه دینی»، کیان، سال ۲، ش ۷، (تیرماه ۱۳۷۱). پاسخی به نقد دکتر پیمان است.

۴۳. وحید دستجردی، حمید. «پرده آخر»، کیان، سال ۲، ش ۸، (مرداد و شهریور ۱۳۷۱)، پاسخی است بر مقالات قلعه سلطانی (۴۱) که در رد مقاله پیشین نویسنده (۳۹) نگاشته شده است.

۴۴. سروش، عبدالکریم. «دعوی درویشی و وعده خاموشی»، کیان، سال ۲، ش ۹، (مهر و آبان ۱۳۷۱). نویسنده با بررسی تطور نقدهای حجة الاسلام والمسلمین صادق لاریجانی در مقالات و کتاب پیشین (۴، ۱۳، ۱۴، ۳۶) به ارزیابی آخرین نقد وی (۴۱) پرداخته است.

۴۵. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. نور ملکوت قرآن، ج ۲، مشهد، بنیاد علامه طباطبائی، رجب ۱۴۱۳. گزارش این مأخذ مراجعه کنید.

۴۶. گنجی، اکبر. «جامعه‌شناسی تحول معرفت دینی در حوزه اندیشه سیاسی»، کیان، سال ۲، ش ۱۰، (آذر-اسفند ۱۳۷۱)

۴۷. نراقی، احمد. «فهم عمیقتر»؟، کیان، سال ۳، ش ۱۱ (فروردین اردیبهشت ۱۳۷۲). نویسنده بر اساس این نکته که گوهر قبض و بسط، سه اصل معرفت‌شناختی است: اصل تغذیه و تلائم، اصل تحول و تکامل؛ به تحلیل مفهومی و احتجاج بر اصل تکامل پرداخته است.

۴۸. سبحانی، جعفر. «گزاره‌های دینی و معرفت‌های یقینی» کلام تخصصی، سال دوم ش ۱ بهار



۴۹. آیت... جوادی آملی. شریعت در آینه معرفت، ویراستار و تهیه کننده فهرست حجة الاسلام حمید پارسا، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲، ۴۵۶ ص، (۵۵۰۰ نسخه).

کتاب، دارای فهرست تفصیلی گویائی است و از یک پیشگفتار مفصل (۳۷-۸۹) مشتمل بر چهار فصل و دو بخش عمده تألیف یافته است. پیشگفتار، به تعبیر نویسنده، «اثر بنان و قلم و متن کتاب محصول بیان و سخن است». فصول چهارگانه پیشگفتار عبارتند از: ثبات و تحول فهم شریعت، معنای نسبت، مبادی تصویری و تصدیقی مسأله قداست و احیاء معرفت دین. بخش نخست تحت عنوان حقیقت دین به تعریف دین، دین حقیقی، دین در قرآن، اسلام دین ثابت و واحد... ظرف ظهور دین، ضرورت وجود دین، قلمرو اجتماعی دین، وحی در شریعت ناطق، ثبات و بازسازی دین، دین فهمی و دین داری، مسانخت علم و ایمان، علم و دین، عمل و عقیده، عقیده و علم، خاتمیت و کمال دین و تفاسیر مختلف از آن و... می پردازد. و بخش دوم به معرفت دینی اختصاص دارد و مشتمل بر مباحث زیر است: ثبات و تغییر معرفت دینی، معرفت شناسی و مبادی آن، داوریهایی درجه نخست و داوریهایی معرفت شناسی، مبادی فلسفی و معرفت شناسی، سفسطه و شکاکیت پیچیده، نسبت شناخت و چهار بیان آن، نقد نسبیست و اشکالهای چهارده گانه، تقدس و حریم معرفت دینی، تقدس علوم طبیعی و زیستی، هویت دینی فلسفه اسلامی و تقدس آن، تقدس مفاهیم دینی در فهم بشری، تقدیس و نقد پذیری علوم، احیاء و اماتة معرفت دینی.

ضمیمه کتاب به بحث از توحش طبعی و تدین فطری با تحلیلی از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) می پردازد. محورهای اصلی بحث، همان گونه که مؤلف گرانقدر اشاره کرده اند «شامل: بیان تأثیر یا عدم تأثیر پیش فرضها در برداشت از وجود خارجی (اعم از طبیعت و شریعت و...); یقین چگونگی پیوستگی یا عدم پیوستگی معارف بشری با یکدیگر به لحاظ هویت جمعی و جاری خود، تبیین قداست یا عدم قداست فتوی و ترسیم مرزهای احیاء و اماتة دینی و نیز بررسی لوازم و ضروریات هر یک است»

نویسنده در مقام نقد مدعای قبض و بسط شریعت، به موازین منطقی و اخلاقی، پای بند بوده و مواضع خلل منطقی نظریه را متذکر شده است. از عبارات آخرین فقره مقدمه مؤلف، نوع مواجهه ایشان در نقد قبض و بسط قابل استنباط است: «اگر فلتاتی چند در احیاء العلوم غزالی، مرحوم ملامحسن فیض را واداشت که احیای او را تهذیب بلکه احیاء نماید، لغزشهای فراوانی که در فرضیه قبض و بسط وجود دارد، ایجاب می نماید که آن را تهذیب بلکه احیاء نمود»

۵۰. لاریجانی، صادق. «قبض و بسط» در قبض و بسطی دیگر»، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب،



کتاب، مجموع دو مقاله است در پاسخ به آقای سروش در باب «معرفت دینی» و مبادی تحول و تکامل آن. یکی از دو مقاله، بنام قلعه سلطانی (۴۱) پاسخی است به مقاله «عمارت کردن قلعه سلطانی» که در پایان طبع دوم قبض و بسط تئوریک شریعت (۳۸) به چاپ رسیده و دومی به نام «قبض و بسط در قبض و بسطی دیگر»، پاسخی است به مقاله «دعوی درویشی و وعده خاموشی».

کتاب دارای فهرست تفصیلی و عناوین متعدد حاشیه‌ای است. اهم عناوین مقاله اول عبارتند از:

۱-۱) بطلان دعاوی قبض و بسط

۱-۲) تز شریعت صامت

۱-۳) بهتر فهمیدن مراد شارع

۱-۴) استناد معرفت دینی به معارف بیرونی

۱-۵) سطوح مختلف فهم دینی

۱-۶) برهان فرد بالذات

۱-۷) شکاکیت تمام عیار

۱-۸) پارادکس تایید

اهم عناوین مقاله دوم نیز به شرح زیر است

۲-۱) قبض و بسط در نقاب تزه‌های مختلف

۲-۲) وامداری معرفت دینی به معارف بشری

۲-۳) برهان فرد بالذات

۲-۴) مراتب فهم یک کلام

۲-۵) ظنی بودن علوم تجربی

۲-۶) پارادکس تایید و خطای فاحش قبض و بسط

۲-۷) حدیث نقل اقوال

۲-۸) تلخیص مقال

۲-۹) معرفت دینی و تقدس

۲-۱۰) عوام‌زدگی در علوم حوزوی



۵۱. حسینی طهرانی، سید محمد حسین. نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت، دوره علوم و معارف اسلامی، ۶، نور حکمت، ۱۴۱۵ هجری قمری، ده + ۴۰۳ ص نویسنده در مجموعه ده اشکال و یک خاتمه به بحث و نقد پرداخته است: عناوین ده اشکال و خاتمه به شرح زیر است.
- اشکال اول: اصالت و ابدیت الهی و محدودیت فهم بشری
- اشکال دوم: عظمت و تقدم علوم اسلامی
- اشکال سوم: اساس حوزه‌های علمیه بر قرآن و عرفان است
- اشکال چهارم: اعراض روشنفکران از مبانی اسلامی در اثر فرهنگ خارجی
- اشکال پنجم: مجاز و استعاره قرآن، عین صدق و بلاغت است
- اشکال ششم: تعدی از ظهورات قرآن، اسقاط حجیت قرآنست
- اشکال هفتم: برهان علامه طباطبائی در استناد علل طبیعی به علل مجرد
- اشکال هشتم: منطق قرآن، حجیت عقل در یقین است نه فرضیه‌های وهمی
- اشکال نهم: فطرت، راه تکوینی کمال و احکام فطری، رساننده به کمالند
- اشکال ده: نظریه تبدیل انواع، صرف فرضیه بوده و دلیل قطعی ندارد
- خاتمه: سرّ منع معاندین در هر زمان از تعمق در قرآن
- اهم انتقادهای نویسنده به محورهای زیر برمی‌گردد:
- مفاد عبارات مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت، ردّ فلسفه الهی است (ص ۴۷)
 - پاسخ صاحب مقاله بسط و قبض، گفتار مؤلف کتاب «راه طی شده» (مهندس بازرگان) است (ص ۱۳۷)
 - اشکال صاحب مقاله بر گفتار حضرت استاد علامه طباطبائی (قده) (ص ۲۰۹ و ص ۲۴۵ و ص ۳۲۷)
 - در مقاله قبض و بسط، به قرآن و حجیت آن و ابدی بودن آن ایراد شده است. (ص ۳۷۳)
۵۲. سروش، عبدالکریم. «قبض و بسط تئوریک شریعت»، چاپ سوم، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط تابستان ۱۳۷۳، ۶۸۳ ص. چاپ سوم افزون بر مطالب چاپهای پیشین دارای مقدمه علی حده و نقد سه مقاله دیگر است: مقدمه ناظر به کتاب «شریعت در آئینه معرفت» است و سه مقاله عبارتند از:
- لب لباب قبض و بسط تئوریک شریعت (۵۰)



- دعوی درویشی و وعده خاموشی (۴۱)

و پاسخ به مقاله «ثبات و تغییر در اندیشه دینی» (۳۹)، طبع سوم از حروفچینی مجدد برخوردار است.
۵۳. نراقی، آرش. «لب لباب قبض و بسط تنوریک شریعت» در کتاب قبض و بسط تنوریک شریعت، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۳ (۴۹) ص ۴۲۹-۴۹۱. نویسنده، خلاصه قبض و بسط را در دو فصل آورده است و این تلخیص، مورد تأیید صاحب نظریه می‌باشد.

۵۴. دشتی، محمد. مذهب روشنفکری، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، زمستان ۱۳۷۳ (۳۰۰۰ نسخه)، ۱۴۴ ص. فصل سوم کتاب با عنوان «روشنفکران ومبانی بازسازی دین» متضمن انتقادهایی از مقاله قبض و بسط است با ارجاع به دو کتاب معرفت دینی (۳) و شریعت صامت به عنوان مأخذ اقوال نقدی.

۵۵. حسینی قائم مقامی، سیدعباس. سلسله مباحث سیری در اندیشه معاصر (نقد قبض و بسط شریعت) (۱)، کلمه دانشجو، ش ۱۱

۵۶. همان. (قسمت دوم)، کلمه دانشجو، ش ۱۲، (خرداد ۱۳۷۴)

عناوین مقاله عبارتند از: شکاکیت و نسبیّت شناخت، مفهوم علم از دیدگاه ابطال گرایان، نسبیّت فهم بشری، اشکالات تحول مداوم فهم بشری، فهم بهتر یا صحیح تر، فهم عمیق چیست؟

۵۷. همان. (قسمت سوم). «ارتباط تحول علوم»، کلمه دانشجو، ش ۱۳، (آبان ۱۳۷۴).

عناوین مقاله عبارتند از: یک تناقض بزرگ (ملاک ارتباط علوم) آیا نظریه «ترابط عمومی علوم» ابطال پذیر است؟، ادله ارتباط تحولی علوم، فرد بالذات (توجهی دیگر از ترابط علوم).

۵۸. همان. (قسمت چهارم). «دین و آزمون؟»، کلمه دانشجو، ش ۱۴، (دی ۱۳۷۴)

عناوین مقاله عبارتند از: معرفت دینی، ابطال پذیری و متافیزیک (آیا ابطال پذیری در حوزه معارف دینی راه دارد؟)، عقیده و آزمون؟!، نفی ادله خداشناسی، مغالطه بزرگ (کدام فیلسوفان دین؟!)

۵۹. مازیار، امیر. «نقدی بر مقاله انقلاب مستمر»، کلمه دانشجو، ش ۱۴، (دی ۱۳۷۴)

مقاله، نقدی است بر مقاله «انقلاب مستمر» (۵۶) از حسینی قائم مقامی که در نقد قبض و بسط نوشته شده است و در واقع نقد نقد است.

۶۰. باوند نعمت‌الله. جایگاه عقل و دموکراسی در نظام ولایت (بررسی انتقادی نظریه قبض و بسط تنوریک شریعت)، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، تهران، بهمن ۱۳۷۴، ۲۰۹ ص کتاب از یک مقدمه و چهاربخش تنظیم شده است. نویسنده با طرح نظریه ولایت در دو بعد تکوینی و تشریحی، لازمه



تفکر سروش را نفی امامت دانسته (ص ۶۶) و مقالات قبض و بسط را تناقض آمیز می‌داند (ص ۹۲).
بحتهایی از کتاب قبلاً در کیهان (اسفند ۱۳۷۳ تا تابستان ۱۳۷۳) به چاپ رسیده است.

۶۱. **حسینی قائم مقامی، سیدعباس.** «معرفت پیشینی و پسینی، سلسله مباحث سیری در اندیشه معاصر (نقد نظریه قبض و بسط شریعت (۵))»، کلمه دانشجو، ش ۱۵، فروردین ۱۳۷۵. میان «دین و معرفت دینی» و «معرفت پیشینی و پسینی» تفکیک شده است.

۶۲. همان، قسمت ششم. «ثابت و متغیر در معرفت دینی» کلمه دانشجو ش ۱۶ (تیر ۱۳۷۵)

۶۳. **آیه‌الله مصباح یزدی، محمدتقی.** «گذری بر سابقه تاریخی ادعای قبض و بسط شریعت»، کلمه دانشجو، ش ۱۶، تیرماه ۱۳۷۵، اساس نوشتار، برگرفته از یک سخنرانی استاد مصباح در جمع دانشجویان است و عنوان از ناشر می‌باشد. در این گفتار به لوازم قبض و بسط پرداخته شده است: «هم‌اکنون این مطلب ترویج می‌گردد که شرایط زندگی چه چیزی را اقتضاء می‌کند، با این طرز تفکر نه اسلامی باقی می‌ماند و نه مسیحیتی. بر این مبنا دین، معنای شناوری دارد و معنای آن به شرائط زندگی بستگی دارد و این دین نیست که باید براساس آن زندگی کرد.»

۶۴. **فناپی اشکوری، محمد.** معرفت‌شناسی دینی، تهران، انتشارات برگ، ۱۳۷۴، (۴۴۰ نسخه)، ۱۴۴ ص. بنابه تعبیر مؤلف، «تعیین نسبت معارف انسانی و تعالیم وحیانی و تحدید حدود آنها به ویژه در عرصه معیشت جمعی، مسأله و مشغله مرکزی و رئیسی است و تعقیب این موضوع، رسالت این رساله است لیکن قبل از هر مباحثه‌ای توجه به آداب مباحثه، ضروری و بی‌اعتنائی به آن آشوب‌انگیز است، از این رو دو فصل تحت عنوان «روش مواجهه با اندیشه»، حاوی نکاتی است در این باب. نویسنده در بخش نخست با تمایز بین چهار امر: دین، ایمان، معرفت دینی و معرفت‌شناسی دین، به بررسی تحول‌پذیری معرفت دینی پرداخته و در بخش دوم، مسأله ارتباط علوم و معارف را به بحث کشانده است. خلاصه سخن مؤلف چنین است (ص ۹۷): دلائل اقامه شده بر این نظریه، مخدوش می‌باشند. این نظریه بنا به تعبیری، ابطال‌ناپذیر است و بنا به تعبیری که ابطال‌پذیر است، مبطل بالفعل دارد. لوازمی دارد که غیر قابل التزام می‌باشند. نتایج مثبتی که از آن انتظار می‌رود با نفی و قبول تحول نسبی و کاربرد علمی آن نیز تأمین است.

۶۵. **ملکیان، عبدالرضا (مصطفی).** «القبض و البسط دراسة نقدية»، ترجمه - دلال، عباس، المنطلق، العدد ۱۱۳، خریف ۱۹۹۵ م، ۱۴۱۶ هـ ص ۲۲۸ - ۲۵۹ (الحلقة الاولى).

نویسنده با بیان سه مقدمه و تلخیص قبض و بسط در شش رکن عمده، به نقد هر یک از آنها پرداخته



است. ارکان ششگانهٔ قبض و بسط از نظر نویسنده، چنین هستند:

دین و معرفت دینی، دو امر متغایرنند، دین، امری ثابت است، معرفت دینی، نوعی معرفت بشری است، معارف بشری با یکدیگر در ارتباطند، معارف بشری متحولند، تحول معرفت بشری، تکاملی است.

۶۶- فنایی ابولقاسم. «مبانی اجتهاد (تأثیر معرفت بشری در معرفت دینی)» نقد و نظر، سال ۱، ش ۳ و ۴، ۱۳۷۵. نویسنده به طرح این سؤال که در فهم دین به طور عام و در فهم احکام دین به طور خاص، چه علوم و معارفی دخالت دارند، پرداخته است و نسبت بین علوم دینی و سایر معارف بشری را تحلیل کرده است. از نظر نویسنده آنچه در فهم بخش فقهی دین در این خصوص رواج دارد، در معرفت سایر بخشهای دین قابل تعمیم است. و ادعای تأثیر دیگر دانشهای بشری مانند علم حقوق، فلسفهٔ اخلاق یا فلسفهٔ زبان و معرفت‌شناسی، روش‌شناسی علوم نقلی و تاریخی و... نباید مورد انکار و استبعاد قرار بگیرد.

۶۷- احمد واعظی، تحول فهم دین، مؤسسه فرهنگی اندیشهٔ معاصر، تهران، اردیبهشت ۱۳۷۶، ۹۵ ص.

مؤلف با تحلیل نظریه قبض و بسط شریعت به سه رکن توصیف، تبیین و توصیه، هر یک را نقادی کرده است. وی پس از طرح نقدهایی چون اشکالات اصل ترابط عام معرفت و اصل تغذیه و تلائم، به لوازم کلامی آن پرداخته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

